



کتابخانه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه هجدهم – ۲۷ مرداد ماه ۱۳۹۹

آیة ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶:



خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)

وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶)

انسان را از گل خشکیده‌ای مثلِ سفال آفرید * و جان را از شعله‌ای از آتش پدید آورد
پس کدام یک از «آلاء» خدایتان را دروغ می‌شمارید؟

خداوند،

« افسان » را « جامد »

و « جن » را « سیال » پدید آورد.

خداوند جن را قبل از انسان آفرید:

وَالْجَانُّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ

اما در بیان خلقت،

اوّل « انسان » و بعد « جن » را معرفی نمود.

⁸ و این تقدّم، ظاهراً به خاطر شرافتِ انسان است.

قرآن، « مقصدِ » خلقت جن و انس را « یکی » می‌داند:

ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

اما « جن » در حدی نیست که « انبیا و ائمه » داشته باشند.

البته آنها پیامبر دارند اما نه از جنس خودشان،

بلکه پیامبر و امام ما پیامبر و امام آنها هم هست.

هیچ جنی، چنین شأنی را ندارد که به مقام « نبوت » برسد.

در هر حال این « دو مخلوق »،

ساکن در « زمین » و « همسایه » یکدیگرند،

که یکی « جسمیت » دارد و از « گل » است

و دیگری « سازواره » ندارد و از « آتش » است.

اما هر دو « زنده » و با هوش و مختار » هستند.

« معنویتِ انسان »، « فوق‌العاده »،

اما « معنویتِ جن »، بسیار « اندک » است.

انسان بدنی « مادی و ضعیف » و عُمرِ « کم » دارد.

اما جن، عُمری « طولانی »

و « سرعتِ » جا به جای، زیادی دارد.

میان « **جن** و **انس** »،

« **برزخی** » است

تا هیچ « **تداخلي** » در کار هم نداشته باشند.

هر چند که « **افراد خاصی** »،

از آنها می‌توان در شرائط خاصی با هم در ارتباط باشند.

آیة ۱۷ و ۱۸:



رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)

خدای دو مشرق و خدای دو مغرب *

پس^{۱۴} شما (جن و انس) کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟

منظور از «دو» مشرق و مغرب چیست؟

از آنجا که « **زمین** »

به دور خورشید می چرخد،

پس « **هر نقطه‌ای** » از زمین

می تواند « **مشرق** » یا « **مغرب** » باشد.

شاید منظور از « **دو** » مشرق و « **دو** » مغرب،

اشاره به « **عالم ماده** » و « **عالم معنا** »،

یا به « **عالم محسوس** » و « **عالم معقول** »،

و یا به « **عالم آفاق** » و « **عالم آنفس** »،

اشاره به « **عالم ظاهر** » و « **عالم باطن** » باشد.

که^{۱۷} این دو، دو چیز نیستند بلکه « **دو روی یک سکه** » هستند.

آیة ۱۹ و ۲۰ و ۲۱:



مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)

دو دریا را (به نحوی) روان کرد (که) با هم برخورد می کنند * میان آنها حد فاصلی است که تداخل نمی کنند * پس شما (جن و انس) کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟

شاید منظور،

« دریایِ عالمِ **محسوس** یا عالمِ شهود »

و « دریایِ عالمِ **معقول** یا عالمِ غیب » است،

که در « **جوار** » یکدیگرند و میان آن دو،

« عالمِ **برزخی** » است که « رابطِ » آن دو عالم است.

و شاید این « سه عالم » در بیرون،

همان

« عالمِ ماده » و « نفس » و « عالمِ روح »

در وجودِ هر فرد است

که « حیات » او را تأمین می کنند.

آیة ۲۲ و ۲۳:



يَخْرُجُ مِنْهُمَا
الْلُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ (٢٢)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٣)

از هر دو (دریا) مروارید و مرجان برآید * پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟

آن « دو دریای غیب و شهود »

هر کدامشان،

« صید » و « برکاتِ » خودش را دارد

« **مروارید** »، « **نعمت‌های پنهان در صدف** »،

و « **مرجان** »، « **نعمت‌های آشکار** » است.

خوشا به حال آنان که:

« **مروارید** پنهان در **صدف** » خود را

« **کشف** » می کنند،

و در « **مرجان** » ظاهری خود،

« **متوقف** » نمی شوند.

آیة ۲۲ و ۲۳:



وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ

كَأَنَّا غُلَامٌ (۲۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵)

و برای اوست در آن دریا، سفینه‌های بادبان‌دار بلند مانند کوهها *

پس شما (جن و انس) کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟

« منشآت »

(از نشأ) (کشتی‌هایی که بر روی آب می‌روند).

یعنی: « **پدید آمده** و به **ظهور رسیده** و **تجلی یافته** »

و آنچه را که خداوند مستقیماً به خودش نسبت داده،

و آنها را « **أعلام** و نشانه‌ها و آیاتِ بارز »

نامیده است.

آن « منشآت »

و آن « اعلام و نشانه‌ها و آیاتِ بارز »،

مثل: « فانوس دریایی یا کوه » از دور قابل دیدن‌اند.

« المؤمن، كالجبل الراسخ »

آنها « سفینه النجاه » هستند.

آیة ۲۶ و ۲۷ و ۲۸:



كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)

وَيَتَّقِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

هر چه علیه اوست فانی است * و ذات باشکوه و ارجمند خدای تو باقیست *

³¹ پس شما (جن و انس) کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟

نظر مترجمین دربارهٔ «علیها»:

همه آنان که روی این زمین هستند، فانی می شوند

هر که بر روی آن (زمین) است نیست شدنی است

هر که بر روی زمین است فانی شدنی است

همه کسانی که روی آن (زمین) هستند فناپذیرند،

هر کس بر آن است نابود شود

هر که بر روی این (زمین) است (از انس و جن) محکوم به فناست

همه کسانی که روی آن [زمین] هستند فانی می شوند،

هر کس روی زمین است نیست شدنی است

هر کس که بر آن (زمین) است فناپذیر است

هر جن و انسی که « **علیه** »

آن « **منشآت** » و آن « **أعلام** » باشد،

و با آنان « **هدایت** » نشود،

قطعا « **فانی** » است:

الْفُلُكِ الْجَارِيَةِ،

فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ،

يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا.

(آنان) کشتی جاری در اقیانوسهای بیکران هستند، ایمن شود
هر³⁵ که همراه آنان باشد و غرق و نابود شود هر که آنان را واگذارد.

در واقع هر فردی که

« **علیه** انسان کامل » است

بر « **ضدِ** خودش » عمل کرده

و خودش را « **نابود** » کرده است.

در پایان « آزمونِ دنیا »، فقط « نور » می ماند

و آنان که نورانی و « وجیه » شده اند:

وَيَتَّقِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

آیة ۲۹ و ۳۰ :



يَسْأَلُهُ **مَنْ** فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (٢٩)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٠)

هر که در آسمانها و زمین است از او تقاضا می کند * هر زمان او در کاری است * پس شما (جن و انس) کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟



خدایا؛

ما را با « **نورِ اولیاء** » خودت،

« **منوّر** » فرما

و از هر نوع **انکار** و **تکذیبی** حفظ فرما

و در ظهور آخرین حجتِ خود سهیممان کن.

اللَّهُ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى
رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ

